



ویژه فاجعه ایندرفاش ۹۰

خبرنامه کومه‌له

یکشنبه ۱۸-۸-۵۹

قتل عام "ایندرفاش" جنایت دیگری توسط عمال رژیم جمهوری اسلامی در کردستان

- پاسداران جمهوری اسلامی و افراد "بسیج مستضعفین" و مزدوران ملاحسی ،
- زحمتکشان روستاهای ایندرفاش و "یوسف کند" ، مهاجران را قتل عام کردند
- در این جنایات تاکنون اجساد ۴۲ شهید بدست آمده است.
- تعدادی از شهدا بوسیله ساطور قصابی و چاقو بشهادت رسیده‌اند
- پاسداران و سایر مزدوران پس از قتل عام :
- اموال مردم را چپاول و خانه‌هایشان را آتش زدند .
- دسترنج یکسال کار افراد یک خانواده کارگر را غارت کردند.
- سه پاسدار به دختری در برابر چشمان مادرش
- تجاوز کردند سپس مادر او را به رگبار بسته ، بشهادت رسانیدند
- جنایتکاران عده‌ای از زنان و کودکان ده را با خود به اسارت بردند .

همه میهنان مبارز!

رژیم جمهوری اسلامی در ادامه جنایات سرکوبگرانهاش علیه خلیفان رزمده کرد با رد بگر جنایتی سونشاک آفرید . دستهای خونین جنایتکاران رژیم که در یروز در سنندج و سقز و مریان جوانان و مبارزین خلق کرد را بچوخه های اعدام سپرد و در قارن و قلاتان به تلامد همافتر از مردم زحمتکش آن روستاها دست زد ، امروز در (ایگرفقش) آیند رقاش" مهاباد بیش از (۴۰) نفر از روستائیان زحمتکش را بشیوه های وحشیانه و هول آسایقتل رسانید و ده همافتر بگرا زخمی نموده است .

ادامه چنین اعمال جنون آمیز از جانب جلادان جمهوری اسلامی از طرفی بخوبی ضعف و ناتوانی رژیم را در سرکوبی خلق کرد و از طرف دیگر رزمندگی و مقاومت آگاهانه و سید و حصر این خلق مبارزان نشان میدهد .

رژیم در مدت ۲۰ ماه حکومتش برای استحکام بخشیدن به پایه های لرزان علاوه بر ایصال نمودن حقوق کارگران و زحمتکشان ایران و ضدیت با آزادیهای دموکراتیک و در سرکوب و کشتار خلق کرد و سایر خلقهای ایران از هیچ وحشیگری و جنایتی کوتاه نمیگردد . در این مدت آمارهای (هر چند ناتمام) از کشتار مبارزین و مردم بیدفاع کردستان در مناطق مختلف بخوبی مساله را روشن میکند . در سنندج تاکنون ۹۰۰ نفر شهیدات رسیده و حدود ۲۰۰۰ نفر در اثر گلوله باران توپ و خمپاره از طرف ارتش و سپاه پاسداران زخمی شده اند . در نغد هدها نفر شهید و مجروح شدند . در مهاباد بیش از ۳۰۰ نفر شهید و صد ها نفر دیگر زخمی گردیدند . در سقز ده ها نفر شهید و بیازخمی شده اند . در قه لا تا ن حد و ده بیست نفر و در قارن ۶۰ نفر قتل عام شدند در ناهد هها

نفر شهید و زخمی شده اند .

در مریان و باوه و . . . به همین ترتیب ، هم اکنون نیز در روز جنایات تازه ای بدست ایستادن مدافعان خونخوار سرمایه داران و مرتجعین و در جهت حفظ منافع امپریالیستها صورت میگیرد . ایستادگی از عطیات سرکوبی است و فقط بخش نظامی آن که بدست نیروهای سرکوب رژیم خلقی یعنی پاسداران ، ارتش جمهوری اسلامی و راهنمایی جاشهای خود فروش صورت میگیرد .

از طرف دیگر محاصره طولانی اقتصادی کردستان یعنی جلوگیری از ورود کالا های مورد نیاز محتاج عمومی مردم سبب گرانی ، ایجاد بیکاری و فقر و تنگدستی روز افزون کارگران و زحمتکشان و انتشار تهیدستی کردستان گردید و فشارهای سیاسی با ایجاد خفقان " محمد رضا شاهی " و از نوع " ساواکی " هرگونه صدای اعتراض را در شهرها و روستاهای کردستان خفه میکند ، دستگیری زندان و اعدام انقلابی و مردم بیدفاع بطور دائمی ادامه دارد . و هم اکنون صد ها نفر از مبارزین سازمان در زندانهای رژیم بسر میبرند که اتهام آنها تنها دفاع از حقوق عادلانه خلق کرد و طرفداری از منافع طبقه کارگر و سایر زحمتکشان ایران است .

از طرف دیگر مبارزات بیامان پیشمرگان و از جان گذشتگی آنها ، در ضربات پیاپی کمر نیروهای سرکوبگر وارد میآوردند هیچ نقطه امنی را در کردستان برای آنها باقی نماند . گداشته است و تاکنون هزاران نفر از پاسداران مزدور ارتجاع پاسا ارتشیان و جاشها در میدانهای نبرد بدست پیشمرگان انقلابی کردستان بهلاکت رسیده اند . بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی برای بقای خود از یکطرف زحمتکشان کرد را قتل عام و سرکوب میکند و از طرف دیگر فرزندان زحمتکشان سایر

خلقهای ایران را بصورت مزدور یا به جبار بصورت سرباز روانساز کردستان میکند تا از آنها " گوشه دم توپ " بسازد . بنابراین پایه چنین رژیمی بر اساس حفظ منافع سرمایه داران و ایستنها امپریالیست مرتجعین و سایر استثمارگران بنا شده و بقای آن بستگی کامل به سرکوب کارگران و زحمتکشان دارد . در این رهگذر مقاومت خلق مبارز کردستان دفاع از منافع زحمتکشان و انتشار تبه است بخش عدالت را در بر میگیرد . باید مورد غضب این رژیم قرار گیرد زیرا ادامه این جنس هر روز ماهیت واقعی رژیم را بیشتر از پیش آشکار نمود و طرفداری افشار بیشتر از زحمتکشان سایر خلقهای ایران را بخود جلب میکند . باین ترتیب و در اثر فشارهای روز افزون رژیم بر کارگران و زحمتکشان سراسر ایران

عمر آن کوتاه تر میگردد . بنابراین آنچه که سرشت همه رژیمهای ضد انقلابی و ضد خلقی بوده (و میباشد) این رژیم نیز در مواقعی که در شعله انقلاب سوختن و نابودی خود را می بیند ، دست به جنایاتی میزند تا بنیال خود اندکی بر عمر خود بیفزاید . اما واقعیات تاریخی تاکنون ثابت نموده است که چنین اعمالی همواره خلقها را در ادامه انقلاب مصمم تر و ضد انقلاب را منقرضتر میگرداند .

آنچه در ایند رقاش روی داده آخرین جنایت این رژیم نخواهد بود بخصوص هنگامیکه خلق کرد و زحمتکشان سراسر ایران مبارزات خود را عمق و وسعت بیشتری بخشند تکرار چنین اعمال وحشیانه های بخصوص در هنگام آخرین نفسهای احتضار رژیم اجتناب ناپذیر خواهد بود . تنها تکیه بر نیروی بیکران توده های زحمتکش و پاسا زمامت و افشارگری رژیم ارتقا سطح آگاهی توده ها است که کلیه توهمات در مقابل رژیم فروریخته و توده ها به بیشتر توده دفاع از خود در مقابل

نیروهای دد مشانه رژیم خواهند پرداخت.

خصوصاً این جنایات در شرایطی صورت میگیرد که نیروهای ارتش پاسداران جمهوری اسلامی در خوزستان و بخشی از کردستان سخت درگیر جنگ ارتجاعی ایران و عراق هستند. جمهوری اسلامی از یکطرف فریاد دفاع از "سپه‌ن اسلامی" در برابر "بعثیهای کافر" را سر میدهد، اما از طرف دیگر رهبر و هیئت‌های مبارزه علیه نیروهای انقلابی و سرکوب خلق کرد را زیاد نبردناست و هم‌چنان بخش‌هایی از نیروهای ارتش و پاسداران هنوز در کردستان بطور وسیع پراکنده مشغول کشتار و وحشیانه خلق کرد میباشند.

مادر زیر گزارشی را که در جریان این جنایت هولناک از نزدیک تهیه شده است نقل میکنم:

اوائل آبان ماه جاری یک ستون از نیروهای سرکوبگر رژیم شامل ارتشیان پاسداران ارتجاعی دهات اطراف مهاباد همچون "بردو" در مسیر خود روستای "اگرقاش" (ابندرقاش) (در ۱۰ کیلومتری شمال مهاباد) و دهات نزدیک پهنه اصطلاح پاکسازی نموده زور عدای از مردم را خلع سلاح کرده و از هر ده چند قبضه اسلحه بدست آوردند.

بد نیال این تهاجم در روز سه شنبه ۱۳/۸/۵۹ مجدداً صد ها نفر از مزدوران ملاحسنی پاسداران ارتجاع و افراد بسیج مستضعفین در یک ستون شامل ۱۱ اتوبوس شرکت واحد اتوبوسرانی ارومیه به روستای اترقاش (ابندرقاش) و دهات اطراف آن هجوم بردند. آنها حملات خود را در دو جهت ادامه دادند. یک دست از طریق روستای "مطافا" و "یوسف کند" و دستهای دیگر مستقیماً به اگرقاش یورش میبردند. دد و فرزندانش نیز در بین دهات "درساژ" و

"نقلعه" برای پشتیبانی از آن - نیروها موضع گرفتند.

در این زمان یک دست از پاسداران حزب دمکرات در مسجد اگرقاش ماندگار شده بودند. بمحض اینکه خبر نزدیک شدن مهاجمین به دهه بگوش مردم آنجا میرسد، ریش سفیدان محل جمع شده به افراد حزب دمکرات مراجعه و اطلاع میدهند که اگر آنها میخواهند بدفاع در مقابل نیروهای دشمن بپردازند مردم نیز خود را آماده این عمل بنمایند. در غیر این صورت برای جلوگیری از قتل عام احتمالی و ویرانی خانه‌های مردم بهتر است در ترک کنند. افراد حزبی در جواب دهه را ترک کرده و در اطراف آن موضع میگیرند.

پاسداران و سایر نیروهای ارتجاع به دهه وارد شده به کتککاری وادیت و آزار مردم زحمتکش آنجا میپردازند که در نتیجه چند تن از آنان زخمی میشوند. حد اقل دد و نفرات کتک خوردگان به بیمارستان مهاباد اعزام میشوند. آنگاه پاسداران و مزدوران دیگردهای از بهر مردم در دهه وارد مسجد جمع کرده و از آنها میخواهند که هر کدام اسلحه‌های تحویل دهند. مردم در مقابل این درخواست با توجه به سابقه وحشیگری و جنایت‌های متعدد دی که در منطقه توسط آنها صورت گرفته است متعهد میشوند که اگر اسلحه‌های در اختیار داشته باشند آنرا جمع آوری کرده و فرداً آنروز در محل سپاه پاسداران - مستقر در "محمد یار" (شهرکسی در نزدیکی نقده) تحویل آنها بدهند. باین ترتیب مزدوران رژیم محل دد را ترک میکنند.

هنگام خارج شدن نیروهای دشمن از روستای اگرقاش به کمین افراد حزب دمکرات که قبلاً در خارج ده موضع گرفته بودند افتاده و درگیری آغاز میشود. تانکهای مستقر در نزدیکی ده نیز در این عملیات شروع به تیراندازی بطرف دهه می-

نمایند. علاوه بر آن بقیه پاسداران نیز بسوی همان دهه تیراندازی را آغاز میکنند. در این نبرد بیست و پاسدار کشته شده و یک پیشمرگ حزب دمکرات بنام صالح مقصد بمشهادت میرسد. بقیه پاسداران و سایر مزدوران بطرف دهه باز میگردند. باین ترتیب اهالی زحمتکش دهه در مقابل یورش وحشیانه پاسداران و افراد بسیج مستضعفین و مزدوران ملاحسنی بدفاع باقی میمانند. افراد دشمن که مجهز به تفنگهای ژ-۳، برنو، امپک، تیر و ساپور قصابی و چماق بودند بجان مردم بدفاع افتاده تنها در یک حمله جنایت کارانه ۱۷ نفر از آنها را در داخل مسجد دهه بشهادت میرسانند.

آنها سپس به بازرسی و غارت خانه‌های مردم پرداخته اموال و دارائی‌های بخصوص زین آلات شان را بسا با خود میبرند. آنها تمام منازل دهه را بازرسی کرده و از غارت هیچ چیز روی گردان نبودند. حتی اگر مبلغ بیست تومان بوده باشد. از یک منزل مبلغ ۵ هزار تومان را که حاصل دسترنج یکسال کار تمام اهل یک خانواده کارگر در کوره پزخانه‌ها بود بغارت بردند. از جیب شخصی بنام ابراهیم ده هزار تومان پول نقد را چاپیدند. آنها مقادیر زیادی از علوفه رزستانی حیوانات متعلق به اهالی را سوزاندند.

نیروهای پاسدار ارتجاع و مزدوران دیگر باین اکتفا نکرده با حملات دد مشانه خود مشغول وار تعداد زیادی از اهالی دهه را قتل عام کرده و حتی به زنان و دختران آنها نیز تجاوز می نمایند. در یک مورد سه نفر از پاسداران به یک دختر بنام مهریم دست میزدند. مقابل چشمان مادرش تجاوز میکنند. هنگامیکه مادر ستم دیده که از شدت خشم چشمانش از خنده درآمد همسود میخواست به کمک دخترش بشتابد

بارگبارتنگ پاسداران جمهوری اسلامی بشهادت میرسد. این جنایتکاران پس از این تجاوز وحشیانه دخترنا سرده را همراه خود بردند و پس از چند ساعت او را در میان راه میسازند.

پاسداران پس از قتل عیاش و بارت اسوار مردم و شروع به آتش زدن خانه هایشان نمودند. جمعا حدود ۱۲۰ تنانرا ازین برکند. باین هم اکتفا نکردند. یک تراکتور و یک ماشین سواری متعلق به اهالی رابعاتش کشیدند. اتومبیل سواری متعلق به شخصی بود بنام "ایرج پاکزاد" که خود نیز بدست جلادان شهید شد. او جوانی مبارز و مواد آرساز مان مایود پادشاه آبادامسه مبارزمان گرامی میداریم. این عطیات وحشیانه تا ساعت ۸ شب ادامه داشت پس از آن جنایتکاران هنگامیکه عده ای از اهالی را دستگیر کرده باخسود سپردند محل را ترک کردند و در حالیکه در میان دستگیرشدگان عده ای زن و کودک که با فریادها دلخراش خود دل هریبند مای را بلرزه در میآورد و گشایان گشایان خود میبردند. و ده در آتش میسوخت.

عده ای از اسیران هنوز در بازداشت پاسداران بسر میبردند.

هرکس که غیر قابل انتظار زندمانان بود در ماتم عزیزان از دست رفته و خونهای بناحق ریخته شده آنها به دنبال کسان خود میگشت. پاسداران و مزدوران جنایتکار علاوه بر قتل عام مردم با انواع سلاحهای سبک و سنگین با قضاوت بیش از حد بوسيله ساطور و چاقو نیز عده ای را از پای درآورد می بودند که اثر آن ها بر بدن عده ای از شهید آشکاراست.

♦♦♦♦♦

هنگام غروب آنروز محض آنکه

اخبار این جنایت هولناک بوسیله پیشمرگان کومله "پهل شهید خا محینی" رسید. جنان آتش خشمی در دل زدند. تک آنها بفرار فروختند. کمابلا فاصله برای دفاع از زحماتشان و منظور کمک به آنها اگر قاش یکدستا آنها بطرف آن جا حرکت کرده وارد روستا میشوند.

مردم مصیبت زده گریقاش هنگامیکه متوجه ورود پیشمرگان کومله شدند با وجود آنکه دره شدید و بگرمی و باروحه بسیار خوب از آنها استقبال کردند. به خصوص وقتی متوجه شدند که پیشمرگان کومله عملا در جستجوی اجساد شهیدان و کمک به مجروحان آنها دست بکار شدند. پیشمرگان ما با متانت انقلابی در حالیکه آتش خشم در چهره های مصمم آنها پیدا بود به کمک خود بمردم داد میدادند.

پیشمرگان کومله در جستجوی خود موفق شدند تعدادی از مجروحان را برای معالجه مداوا به پایگاههای خود برسانند. همین چنین تا هنگام تهیه این گزارش موفق به یافتن جسد ۳۶ تن از شهدای اگریقاش شدند که اسامی آنها به شرح زیر است:

- ۱- حسن قنبری ۵۰ ساله
- ۲- طلی ۴۵ "
- ۳- خدر " جوان
- ۴- محمود بیرونی ۵۰ ساله
- ۵- ایرج پاکزاد ۲۳ ساله
- ۶- همیده هلاقی ۲۲ "
- (مادر ایرج پاکزاد)
- ۷- رحمان بیرونی ۲۸ ساله
- ۸- کریم سیده بیرونی
- ۹- رسول "
- ۱۰- سلیمان سیده ۱۸ ساله
- ۱۱- حاجی مصطفی فقزاده
- ۱۲- محمد کریمی ۳۵ "
- ۱۳- سید طلی حسینی ۳۰ "

- ۱۴- عبدالله علائی بیرونی
- ۱۵- کریم علائی جوان
- ۱۶- حاجی خوس بیرونی
- ۱۷- حسین " جوان
- ۱۸- احمد " "
- ۱۹- عصمت دشتی بیرونی
- (مادر دختری که میبرد - تجاوز پاسداران تزار گرفت)

- ۲۰- محمود رسولی ۵۰ ساله
- ۲۱- عبدالله جوان (ناشناس اهل نقده)
- ۲۲- (پدر) عبدالله بیرونی (اهل نقده)
- ۲۳- علی محمد شیخی بیرونی
- ۲۴- محمود عزیزی ۱۸ ساله
- ۲۵- سید رحمان (ناشناس ستر فروش)
- ۲۶- خسرو مام موسی ۲۵ ساله
- ۲۷- بایزید اسماعیل بیگی ۱۴ "
- ۲۸- استاد حسین کارگر ۲۲ "
- ۲۹- عثمان دیواری ۲۵ "
- ۳۰- بلال ستارزاده ۲۰ "
- ۳۱- حسین خدر حاجی بیرونی
- ۳۲- درویش محمد جوان
- ۳۳- عبدالله مولود رحیمی بیرونی
- ۳۴- رحیم انداری " "
- ۳۵- صالح " جوان
- ۳۶- احمد رسولی " "

همچنین تعدادی نیز ناپدید شدند مانند تلاش مردم بکنک پیشمرگان ما برای یافتن آنها ادامه دار

♦♦♦♦♦

دسته دوم پاسداران و شرکایشان که به روستای "یوسف کند" و "خانگی" (خانقا) وارد شده و مشغول با اصطلاح پاکسازی شان بودند مانند همکاران جنایتکار خود در اگریقاش به آزار واذیت مردم بی دفاع پرداختند. بدست با چماق و ساطورها ایشان بجان آنها میافتند. در اثر این کتک کاری ع نفرزاهانی "یوسف کند" نیز بشهادت میرسند. این جنایت همانند دیگر جنایات

مهاباد

جمهوری اسلامی همچون لکه
ننگی در تاریخ حیات ننگینش
بانی خواهد ماند.
هم دیوان مبارز!

کارگروان و زحمتکشان ایران!

آنچه در کردستان میگذرد نشانه
تجاوز بیشه‌های جنایتکاران فاسق
"مطبات خرابکارانه" مصلحتی
"ضد انقلاب" بلکه یورش گسترده
به نهادهای عظیمی از نیروهای
سرکوبگر جمهوری اسلامی از راه
زمین و هوا بصورت گلوله باران
و باران و آتش زدن خانه‌ها
و غارت اموال و بیروانی شهرها و
مطرفات است و دفاع خلقی مستعدی
زمنه که برای دست یابی به
حقوق عادلانه خود در به مقاومت
پرداخته است. اینجا کوه کسپان و
زبان و سالخوردگان هستند که می
کفک خود پیشمرگانشان را همراهی
مکنند تا در مقابل این نیروهای
سرکوبگر ایستادگی نموده و دست
جنایتکاران و از سرانها کوتاه
نماند. بنابراین بروجدها انقلابی
شهادت که صدای این مبارزه
و عادلانه را بگوش توده‌های مردم
برسانند. صدای قویادگانی را
که امروز بر اثر جنایات مسز و روان
هم بشهادت میرساند بانی خانها
میگردند بگوش جان بشنویید و
صدای مستعدگان "اگر نه است"
را بگوش جیبانیان برسانید. و به
کفک آنها شباهید.

● ۱۰/۸/۵۹ - ارتشستان

و پاسداران مستقر در محله‌ها
(محلته) به روستاهای "گولی"
و "چوملان" یورش برده بماد بست
و آزار مرد برداختند. ارتشستان
و پاسداران پس از تکذ کاری عدای
از اهالی روستا تعداد چند نفره
اسلحه را بزرگوارانها گرفتند. در
همین هنگام ۲ نفر از جوانان
مبارز بنامهای رشید حسین پور
و قاسم. را که مشغول پخش
خبرنامه کومله بودند و قصد خارج
شدن از ده را داشتند دستگیر
و گاریاسد اران جنایتکار قسوار
گرفته و شمشیر شدند. این دو جوان
مبارز از هواداران نزدیک کومله
بودند.

کاک رشید حسین پور در سال
۱۳۳۸ در روستای قلمسه در یک
خانواده متوسط هفتای بدنیسا
آمد. تحصیلات ابتدائی را در همان
ده به پایان رساند. در آن دبیر
ستان را تا سال دوم در رشته‌های
خدمات در مهاباد ادامه داد.

کاک رشید از دوران کودکی برای
کار به کوره پزخانه‌ها میرفت از هفت
هنگام با زندگی و استقامت کارگران
آشنا شد. در جریان فراخ خلقی
ایران با توجه به زمینه‌های کفک
به جریان‌های سیاسی علاقه مند
و شروع به فعالیت نمود و در همین

موقع با سیاستها و بیژن هه‌مان کومله
آشنا شده و از این به بعد بیشتر در
میان زحمتکشان و کارگران کومله
و متشکل کردن آنها ارتقا گامی
سیاسی‌شان به فعالیت میرد از ده
در مبارزه تا بهستان ۵۹ در جری
مبارزات کارگران کومله رخانه‌های
کردستان به همراهی چندین تن
از کارگران چند اعتصاب برامی
اندازده که خود در رهبری اعتصابها
نقش موثری بعهده داشت.

کاک رشید همواره سعی میکرد
که مهاباد بر دین سطح آگاهی کارگران
شعبه‌های استشاری برای انسان
روشن نماید او به کارگران میگفت:
"تنها هنگامی میتوانیم مبارزات
خود را پیروز شویم که سطح آگاهی
خود را بالا ببریم، تا بتوانیم خود
را متشکل و در پیوند نزدیک با
کارگران و دیگر زحمتکشان ایران
مبارزات خود را به پیش ببریم."

او همواره سعی داشت تا
سیاست و فرهنگ صدای کومله را
برای کارگران روشن نماید. و تا
آخرین لحظات زندگی فعالیت
این کار را ادامه داد. او سرانجام
در تاریخ ۱۰/۸/۵۹ در حالیکه
املا به و خبرنامه‌های کومله را در
روستای سلد و پخش میکرد
به همراهی رفیق کاک قاسم
به دست ارتشستان ضد خلقی
و پاسداران ارتجاع به شهادت
رسید. یادش را در اهشت گرامی باد.

یاد رفیق کارگر مبارز و انقلابی "کاک رشید حسین پور"
و همرزمش "کاک قاسم" (هواداران کومله) را که بدست
سرکوبگران رژیم بشهادت رسیدند، با عزم و استخ در ادامه
راهشان گرامی میداریم.



● ۵۹/۸/۱۰ - عصر امروز پیشمرگان کومله پل شهید خاتمه پهل، شهید محمد حسین کربوسی ارتشیان و یاسد ازان مستند در محمد شا (مهمه) رابوسیلسته سلاحهای سنگین مورد حمله قرار دادند. ارتفاعات دشمن اطلاع دقیقی در دست نیستی پیشمرگان همگی سالم به ایگاهها خود بازگشته.

● ۵۹/۸/۱۵ - در ساعت ۱۲:۰۰ لهنز کامیون ارتشی (زبل) همراه یک دستگاه جیب حامل تفنگ ۶۰۱ عازم "قره خان" در حومه مهاباد شدند. در حالیکه دوفرند تانک و یک کامیون ریب و یک جیب حامل ۱۰۶ دیگر نیز از بالای تله مهاباد "دریانه" از آنها مراقبت میکرد.

در ساعت ۱۲ همان روز تعداد ۴۴ دستگاه انواع ماشینهای مختلف از کهریزی گرفته تا تریلرهای ۱۸ چرخ پیراز یاسد ارو کیمته جسی و افراد بسیج "مستضعفین" جهت کمک به شرکای جنایتکار خود به مهاباد داخل شدند.

پیرانشهر

● ۵۹/۸/۱۴ - در ساعت ۷/۵ صبح دوفرند هواپیما بر فراز منطقه ظاهر شدند. پیر از چند بار دوزدن - رویتای "پوکسو" (چکو) در ۳ کیلومتری پیرانشهر رابوسیلسته سب نایالم و تعداد بیش از ۲۴ راکت مورد حمله قرار دادند.

در نتیجه یک زن به اسم "همه سیر" مهلای (همین ملای) شهید و سه نفر زخمی شدند. همچنین تعداد ۱۲ رأس گاو و گوسفند در جریان بمباران کلیه شهیدان در وینجره روستا تکست و یک خان و ویران شد.

در جریان بمباران روستاهای مذکور گروه امداد کومله به کمک مردم شتافته و به مداوای زخمی پرداختند. هنگام خاک سپاری شهیدان مرده پیشمرگان کومله در مراسم شرکت کرده و دفرورد جنگ ارتجاعی ایران و عراق برای مردم توضیحاتی دادند که مورد استقبال گرم قرار گرفت.



کارگران و زحمتکشان! سازمانهای انقلابی! هواداران راستین طبقه کارگر!
جنايات هولناک کشتار "ايندرقاش" توسط مزدوران رژیم
جمهوری اسلامی را افشا و بگوش خلقهای ایران و جهان برسید.

